

نگاهی به روزگار ۳۵۰ساله یکی از مناطق شمال مشهد که نام و نشانش در نقشه‌های امروزی نیست

«دنگان»؛ تاریخ فراموش شده پشت سیلو

مرضیه ترابی| تاکنون در این مجموعه نوشتارها، برخی مناطق شمال مشهد را معرفی کرده‌ایم که امروز به بخشی از شهر تبدیل شده‌اند؛ مناطقی که بیشتر ساکنان امروزی آن‌ها، اطلاعی درباره پیشینه مکان زندگی خود ندارند و از هویت تاریخی آن بی‌خبرند؛ مکان‌هایی مانند «باقرآباد»، «بقرآباد»، «دروی»، «درآبد»، «شقاء» و «امین‌آباد». شناخت تاریخچه و چشم‌انداز قدیمی این نواحی، افزون بر آشنایی با بخشی از تاریخ ناخوانده شهر مشهد، می‌تواند ظرفیت‌های هویتی محلات فعلی را آشکار کند و به فعالیت‌های فرهنگی در این مناطق، رونق و تازگی درخوراغتنائی ببخشد. در این قسمت، قصد داریم با استناد به سندهای محدود دردسترس، درباره «دنگان» صحبت کنیم؛ مزرعه‌ای که امروز نامش درمیان مشهدی‌ها به فراموشی سپرده شده است. اما نقشی بسیار مهم و راهبردی در تاریخ تأمین نیازهای حیاتی مشهد و استقرار زیرساخت‌های مربوط به آن داشته است.



محدوده جغرافیایی «دنگان»

«دنگان» که در اسناد قدیمی مربوط به مشهد، آن را با نام‌های «دنجان» و «دنجون» نیز می‌شناسند و معرفی می‌کنند، مزرعه‌ای بسیار آباد در شمال شهر بوده است؛ مزرعه‌ای که در آن قنات‌های متعدد جریان داشت و یکی از قطب‌های تأمین آب در اطراف مشهد محسوب می‌شد. طبق آنچه در نقشه موجود در کتاب «نگاهی به جغرافیای تاریخی شهر مشهد»، اثر مهدی سیدی، مشاهده شدنی است، مزرعه «دنگان» از شمال به مزارع «محراب‌خان» و «خبرآباد»، از غرب به «بقرآباد» (باقرآباد)، از شرق به قلعه و مزرعه مشهور «شادکن» و از جنوب به اراضی مزارع «جمع‌آباد» و «امین‌آباد» منتهی می‌شد. درباره اینکه مزرعه دنگان، مانند شقا یا باقرآباد، ساکن دائمی داشته است یا نه، اطلاعات دقیقی نداریم اما چنین به نظر می‌رسد که به غیراز نگهبانان و کشاورزانی که نوبتی در مزرعه حضور می‌یافتند و منزل و محل سکنای آن‌ها جایی در داخل محدوده شهری مشهد (احتمالا در محله نوغان) بوده است، فرد دیگری در دنگان حضور نداشته است و اراضی این مزرعه، همگی به فعالیت‌های زراعی و ایجاد قنات، اختصاص یافته بود. امروز مکان حدودی مزرعه دنگان را، احتمالا باید در منطقه‌ای میان سیلوی گندم شهر مشهد تا فضای میان دو خیابان «شیخ صدوق» و «ابودشرقی» (شهید ابراهیمی) جست‌وجو کنیم؛ فضایی که بخش مهم آن، هنوز غیرمسکونی است و به ساخت زیرساخت‌های موردنیاز سیلوی بزرگ گندم مشهد و نیز، ایجاد خیابان‌های عریض، اختصاص یافته است.



پیوند ناگسستنی تاریخ «دنگان» و سیلوی مشهد

وضعیت مزرعه دنگان، تا نیمه دهه ۱۳۱۰ خورشیدی، تغییر چندانی نکرد. اما در سال ۱۳۱۷ خورشیدی، هنگامی که تصمیم به احداث سیلویی با الگوی جدید برای شهر مشهد گرفته شد، به اراضی دنگان توجه شد، ولی چرا اراضی دنگان؟ این منطقه به دلیل وجود قنات و زمین‌های زراعی، خاک چندان مستحکمی نداشت و ایجاد سیلو، به عنوان سازه‌ای بزرگ در آن، می‌توانست خطرهای و خساراتی را در پی داشته باشد. احتمالا باید دلیل اصلی این اقدام را به طرح راه‌آهن مشهد مربوط بدانیم که مقدمات مطالعات آن در این دوره تاریخی به انجام رسیده بود. حمل‌غلات با قطار، می‌توانست بسیار ارزان‌تر تمام شود و این امر، در انتخاب مکان بی‌تأثیر نبود. ازسوی دیگر، با وجود قرار داشتن اراضی وسیع زراعی در جنوب مشهد، مانند اراضی «الندشت» و «زرگران»، این اراضی به‌تدریج حالت مسکونی به خود می‌گرفت و شاید یکی از دلایل انتخاب زمین‌های دنگان برای ایجاد سیلو، پیش‌بینی مربوط به نوع و محدودیت توسعه شهری در این منطقه بوده باشد. به هر حال جایی در مرز اراضی دنگان و باقرآباد، برای ساخت سیلوی مشهد انتخاب و بنای آن در سال ۱۳۱۸ خورشیدی آغاز شد. احداث بنای سیلوی مشهد که حدود ۵۵ متر ارتفاع داشت، به‌شکرت بین المللی «کامپاکس» سپرده و بخشی از ماشین‌آلات موردنیاز سیلو نیز، خریداری و به مشهد حمل شد. اما تکمیل سیلو، به دلیل اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ ناتمام ماند و این پروژه ناتمام، تا اوایل دهه ۱۳۳۰ بر روی اراضی منطقه دنگان باقی بود و البته در اطراف آن نیز زراعت ادامه داشت. در همین دوره تاریخی، ظاهر اختلاف‌هایی بر سر محدوده اراضی متعلق به سیلو که به اداره غله خراسان واگذار شده بود، به‌وجود آمد. در سال ۱۳۲۷، «اداره غله‌ونان» خراسان در نامه‌ای



نگاهی به اسناد تاریخی «دنگان»

قدیمی‌ترین سند درباره مزرعه دنگان، به موقوفه بودن آن دلالت دارد؛ سندی مربوط به سال ۱۰۸۴ قمری (۱۰۵۲ خورشیدی) -اوایل سلطنت شاه سلیمان صفوی) که امروز در مرکز اسناد آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود. پس از این تاریخ، می‌توان اسناد بیشتری درباره دنگان یافت؛ اسنادی که تعدادی از آن‌ها، در سال ۱۰۹۰ قمری (۱۰۵۸ خورشیدی) تنظیم شده است و نشان می‌دهد که این منطقه، محل قرار گرفتن تعداد زیادی از چاه‌های قنات شمال مشهد بوده است. در واقع آنچه از مطالعه اسناد قدیمی منطقه «دنگان» به‌دست می‌آید، بیشتر مربوط به لای‌روبی و تعمیر رشته قنات‌های پرتعداد این ناحیه است که متولی امر باید هراگرایی برای حفظ و نگهداری آن‌ها اقدام می‌کرد، مثلاً در سند شماره ۲۲۲۴۷ (مرکز اسناد آستان قدس رضوی)، گزارشی درباره فعالیت لای‌روبی قنات‌ها و پرداخت هزینه آن به «چاهجوها» دیده می‌شود که زیرنظر فردی به نام «استاد بیک محمد چاهجویی» مشغول فعالیت بوده‌اند. استاد بیک محمد، ظاهر اقدیمی‌ترین اسمی است که ما درباره مزرعه دنگان به آن در تاریخ برمی‌خوریم، فردی که ظاهراً با تعدادی از کارگران با بهتر بگوییم، چاهجوه‌های زیر دست خود، پیمانکاری لای‌روبی قنات منطقه دنگان را عهده‌دار بود. نام وی در اسناد دیگر این سال‌ها نیز، دیده می‌شود؛ مثلاً در سند شماره ۲۲۲۹۰ (مرکز اسناد آستان قدس رضوی) صحبت از اقدامات او در همان سال ۱۰۹۰ قمری برای تعمیر بخش‌هایی از قنات دنگان به میان آمده است. طبق این سند، علاوه بر استاد بیک محمد، از استاد ابوالقاسم بن محمد زمان فخار نیز نامی به میان می‌آید که قرار است برای قنات دنگان، «کول» موردنیاز را تولید کند. کول‌ها در واقع بلوکه‌های بزرگی بودند که از جنس سفال ساخته می‌شدند و از آن‌ها برای حفظ استحکام دیواره چاه و قنات استفاده می‌شد. امروز کول‌ها را از جنس سیمان می‌سازند که استحکام بیشتری دارد. بیشتر کارگاه‌های تولید کول در بیرون از دروازه پایین خیابان و در مجاورت باروی مشهد قرار داشت.



تصویری از یک کارگاه کول‌سازی در مشهد که هانری رنه دالمانی در سال ۱۲۷۷ خورشیدی گرفته است



مشهدیات

کشتارهایی در باب تاریخ و فرهنگ شهر بهشت (قسمت سده‌هفدهم)

مشهد به روایت «فردوس التواریخ» (بخش پایانی)

ترابی ایحث ما درباره شرح و توضیح مندرجات کتاب «فردوس التواریخ» تقریباً به پایان رسید و تنها بخشی که لازم است به آن بپردازیم، فراز مربوط به موسی‌خان فراهانی، مشهور به «موسی‌خان وزیر» است. وی در دوران محمدشاه قاجار به مقام تولیت آستان قدس رضوی منصوب شد. موسی‌خان، برادر قائم‌مقام فراهانی، صدراعظم و دیوان‌سالار نامی ایران در دوره محمدشاه قاجار بود؛ صدراعظمی که در نهایت، به دلیل سعایت و بدگویی بدخواهان، گرفتار کینه‌شاه قاجار شد و با وضعی فجیع به قتل رسید. فاضل بسطامی در کتاب خود از موسی‌خان و برادرش، به نیکی یاد کرده است و درباره سلسله نسب سادات آن‌ها، فصلی پرداخته و اجداد وی را تا امام سجاد^(ع) برشمرده و درباره انگشتی متبرک آن حضرت که میراث‌خاندان فراهانی است، سخن گفته است. این قضیه نشان می‌دهد که فاضل بسطامی، با وجود رویکرد نه‌چندان مثبت درباره‌ی قاجار در برابر خاندان فراهانی، افراد این خانواده را به واسطه خدماتشان به علم و ادب و همچنین تلاش آن‌ها برای عمران و آبادانی مُلک و میهن، می‌ستوده است. درباره خدمات موسی‌خان فراهانی طی دوران تولیتش بر آستان قدس رضوی، گزارش‌ها و اسناد مختلفی وجود دارد، اما شاید آنچه فاضل بسطامی به تفصیل نقل می‌کند، یکی از بهترین آن‌ها باشد.

● روایت «فاضل» از برخی خدمات «موسی‌خان»

نویسنده کتاب «فردوس التواریخ»، خدمات موسی‌خان را چنین گزارش می‌کند: «از آن جمله دارالشفای مبارک می‌باشد که همیشه اوقات جمعی به ساختن دوا و غذا در آن مکان مبارک مشغول‌اند که رنجوران و مریضان و علیلان از غربا و زائرین و مجاورین ارض فیض‌قرین به دستگیری کارکنان آن محفل شفاقرین از طبیب و ناظر و کحال (چشم‌پزشک) و جراح و بیماردار و حافظ و معین، در مقام ظاهر علاج امراض و اسقام خود نموده... و دیگری مطبخ سرکار فیض‌آثار است که همیشه اوقات در آن مکان مبارک، جمعی از کارکنان و طبایخان مشغول ساختن اطعمه و اشربه می‌باشند که آنچه از فقرا و مساکین از صادرین و واردین ارض فیض‌قرین که به شرف عتبه‌بوسی آن حضرت مشرف می‌شوند، به انواع مطعومات و مشروبات به میزبانی برخی از عدول و ثقات متلذذ و بهره‌ور شوند». افزون بر این موارد، فاضل به برخی دیگر از اقدامات موسی‌خان در آستان قدس رضوی اشاره می‌کند که از منظر بررسی تاریخ حرم رضوی، اهمیت دارد؛ از جمله احیای سقاخانه اسماعیل طلایی که فاضل از آن با نام «سقاخانه طلا» یاد کرده است و نیز، ایجاد مکتب‌خانه اطفال سادات علوی در صحن عتیق که در آن سادات یتیم به تحصیل مشغول می‌شدند و یکی از نخستین گزارش‌ها درباره تأسیس مدرسه برای ایتام در حرم رضوی محسوب می‌شود. علاوه بر این‌ها، طبق گزارش فاضل، ظاهراً موسی‌خان نهر خیابان را هم که در وضع بدی قرار گرفته بود، لای‌روبی و احیا کرده است. وی توجهی ویژه به امور زائران داشت و در کنار اقداماتی که قبلاً برشمردیم، خدمات ویژه‌ای به درراه‌ماندگان در آستان قدس می‌داد که بخشی از وجوه مربوط به آن، از محل موقوفات تأمین می‌شد. در مجموع، باید دوره تولیت موسی‌خان فراهانی را یکی از بهترین ادوار اداره آستان قدس در دوره قاجار بدانیم. طبق گزارش «حقایق الاخبار ناصری»، موسی‌خان وزیر در سال ۱۲۴۸ قمری به مقام تولیت آستان قدس رسید.

جهان
قدیم

قتل عام ۳۰۰ هزار چینی در کشتار نانجینگ



اردلان | ۸۶ سال پیش، جهان در چنین روزی شاهد کشتار ۳۰۰ هزار چینی به دست نظامیان ژاپنی بوده است. برابر اسناد باقی‌مانده، ژاپنی‌ها پس از تصرف شانگهای، در جریان دومین تعرض نظامی خود، نانجینگ (نانژینگ)، پایتخت وقت چین، را هم به تصرف خود درآوردند. درحالی‌که مقامات جمهوری چین، دو روز پیش از حمله، این شهر را تخلیه کرده بودند.

گویا در حمله به نانجینگ، ژاپن برای مقابله با ارتش ۷۰ هزار نفری چین، ۲۴۰ هزار نظامی ژاپنی را به میدان می‌فرستد که آنان با کشتار ۱۰ هزار نظامی چینی و قتل عام مردم شهر، پیروز این معرکه می‌شوند. اخبار منتشرشده از قتل عام مردان و کودکان و تجاوز ارتش ژاپن به زنان آن چنان وحشتناک است که در تاریخ با نام «کشتار نانجینگ» ثبت شده است. تاریخ‌نگاران، تعداد افراد غیرنظامی کشته‌شده در این حمله را ۳۰۰ هزار تن نوشته‌اند.



فرمانده نیروهای ژاپنی در حمله به نانژینگ و تصرف آن، ژنرال «ایوانه ماتسویی» بود که پس از تسلیم ژاپن، در یک دادگاه نظامی محاکمه و در سال ۱۹۴۸ اعدام شد. قتل عام ساکنان نانجینگ که ایک شهر ۹ میلیون نفری است، به مدت شش هفته ادامه داشت. درباره این کشتار کتاب‌های بی‌شمار، تألیف و فیلم‌های سینمایی بسیاری تولید شده است.

اطلاعات
این گزارش
برای نخستین
بار است که
منتشر می‌شود